

Qualitative Study of Victims' Narratives of Post-Deception Challenges and Strategies¹

Seyyedeh Fatemeh Mohebbi², Soheila Sadeghi Fasaie³, Seyyed Saied Aghaie⁴

Received: 2021/02/21 Accepted: 2020/09/21

Abstract

Background and objectives: Deception is a very complex phenomenon that occurs in different social environments in different types and has consequences for the person or persons involved in deceptive behavior. While improving knowledge in the field of victimization and pathology, it can improve the exposure of the staff of centers involved in social injuries to the victims of various social frauds in the framework of victimology studies. The aim of this study was to discover, describe and interpret the experience of deception in social interactions from the perspective of victims and the challenges and strategies of victims after conflict in various types of deception (financial, sexual and marriage scams in real or virtual environment).

Methodology: In order to achieve the research goal, 35 men and women aged 25 years old and over in the metropolitan area of Tehran who have the lived deception experience in the form of purposive sampling with maximum diversity in terms of age, sex, education, employment status, economic status, marital status as well as diversity in types of scams were selected. Semi-structured interviews were conducted and the data were analyzed using theme analysis.

Findings: According to the findings of the study, the challenges of victims after engaging in deception can be identified in the categories of social, economic, family, moral-religious, psychological, and emotional challenges. Post-deception victim coping strategies have included self-management, passive-avoidance, and action-oriented strategies.

Results: The scientific confrontation of the police with the victims of social deceptions can reduce the occurrence and spread of the consequences of this type of deceptive interactions. Therefore, upgrading law enforcement knowledge in the field of new methods of prevention, detection and confrontation of various types of fraud and providing supportive counseling to victims of fraud is suggested as effective strategies.

Keywords: Social deception, Victim of deception, Lived experience, Victimization, Deceptive interactions.

1 This article is adapted from a PhD dissertation entitled "Sociological Explanation of Deception in Social Interactions" at the Islamic Azad University, Central Tehran Branch.

2 PhD Candidate, Department of Sociology, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran.

3 Associate Professor, Department of Sociology, University of Tehran, Tehran Iran (Corresponding Author). Email: ssadeghi@ut.ac.ir

4 Assistant Professor, Department of Sociology, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran.

Copyright © 2020 Journal of Research Police Science. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution-noncommercial 4.0 International License which permits copy and redistribute the material just in noncommercial usages provided the original work is properly cited.

فصلنامه پژوهش‌های دانش انتظامی، سال بیست و سوم، شماره ۱، بهار ۱۴۰۰

صص ۱۰۰-۶۵

مطالعه کیفی روایت قربانیان از چالش‌ها و راهبردهای پس از فریب^۱

سیده فاطمه مجبی^۲، سهیلا صادقی فسائی^۳، سیدسعید آقائی^۴

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۶/۳۱ تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۲/۰۳

چکیده

زمینه و هدف: فریبکاری پدیده‌ای بسیار پیچیده است که در محیط‌های اجتماعی مختلف به صورت سنخ‌ها و انواع مختلفی بروز می‌کند و پیامدهایی برای فرد یا افراد درگیر در رفتار فریبکارانه در پی دارد. می‌تواند ضمن ارتقای دانش حوزه بزه‌دیدگی و آسیب‌شناسی، مواجهه کارکنان مراکز درگیر در آسیب‌های اجتماعی را با قربانیان انواع فریب‌کاری‌های اجتماعی در چارچوب مطالعات بزه‌دیده‌شناسی بهبود بخشد. این مطالعه با هدف کشف، توصیف و تفسیر تجربه فریب در تعاملات اجتماعی از منظر قربانیان و چالش‌ها و راهبردهای قربانیان بعد از درگیری در انواع فریب (فریب‌ها در حوزه مالی، جنسی و ازدواج در محیط واقعی یا مجازی) انجام شده است.

روش: جهت دستیابی به هدف تحقیق با ۳۵ نفر از زنان و مردان ۲۵ سال و بیشتر در کلان‌شهر تهران که دارای تجربه زیسته درگیری در فریب بوده‌اند، به صورت نمونه‌گیری هدفمند و با حداکثر تنوع به لحاظ سن، جنس، تحصیلات، وضعیت شغلی، وضعیت اقتصادی، وضعیت تأهل و نیز تنوع در انواع فریب‌کاری‌ها، مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته انجام شده و داده‌های مطالعه با روش تحلیل تماتیک تجزیه و تحلیل شد.

یافته‌ها: بر اساس یافته‌های مطالعه، چالش‌های قربانیان پس از درگیری در فریب در مقولات چالش‌های اجتماعی، اقتصادی، خانوادگی، اخلاقی - اعتقادی، روانی و احساسی - عاطفی قابل‌شناسایی است. راهبردهای مواجهه‌ای قربانیان پس از فریب شامل راهبردهای خود مدیریتی، انفعال مدارانه - اجتنابی و کنش مدارانه بوده است.

نتیجه‌گیری: مواجهه علمی پلیس با قربانیان فریب‌کاری‌های اجتماعی می‌تواند از بروز و گسترش تبعات این نوع تعاملات فریب‌کارانه بکاهد. بدین جهت ارتقاء دانش انتظامی در زمینه روش‌های نوین پیشگیری، کشف و مقابله با انواع فریب‌کاری‌ها و ارائه مشاوره حمایت‌گرا به قربانیان فریب به‌عنوان راهبردهای مؤثر پیشنهاد می‌شود.

کلید واژه‌ها: فریب‌کاری اجتماعی، قربانی فریب، تجربه زیسته، بزه‌دیدگی، تعاملات فریب‌کارانه.

۱. این مقاله مستخرج از رساله دکتری با عنوان «تبیین جامعه‌شناختی فریب در تعاملات اجتماعی» در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی است.

۲. دانشجوی دکتری گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.

۳. دانشیار گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. نویسنده مسئول (رایانامه: ssadeghi@ut.ac.ir)

۴. استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.

مقدمه

برقراری ارتباط و تعامل با دیگر افراد جامعه جهت رفع نیازهای فردی و اجتماعی مستلزم احساس امنیت و اعتماد بین فردی و اجتماعی است. اعتماد یکی از عناصر مهم در تعاملات اجتماعی است. این اعتماد گاه در تعاملات مختلف میان کنش‌گران اجتماعی مخدوش می‌شود و گاه کنش‌گران اجتماعی در تعاملات خود، از سوی طرف مقابل تعامل، در موقعیت نیرنگ و فریب قرار می‌گیرند. به این معنا که فردی به‌طور عمد و با علم به نادرستی چیزی باعث شود که دیگری آن باور نادرست را در مورد آن چیز پیدا کند. فریب کاری اجتماعی موجب احساس بی‌اعتمادی اجتماعی، ادراک منفی از شرایط اجتماعی و زمینه‌ساز نارضایتی اجتماعی خواهد شد. گسترش فریب کاری به اخلال در نظم اجتماعی و تخلف از قوانین و قواعد زندگی جمعی، ناهمنوایی با هنجارها و قوانین جامعه و شکستن حریم‌های اخلاقی منجر خواهد شد. با توجه به آمارها و اطلاعات مربوط به مصادیق رفتارهای فریب کارانه در سطح جامعه، می‌توان بر اهمیت این پدیده اجتماعی تأکید نمود. بر اساس اطلاعات منابع معتبر خبری مرتبط با نیروی انتظامی در سال ۱۳۹۷ تا ۱۳۹۸ موارد زیر در مورد مصادیق فریب کاری قابل تأمل است: تشکیل ۲۰ هزار پرونده کلاه‌برداری فیشینگ در تهران (ایرنا ۲۳ آذر ۱۳۹۸، مصاحبه جانشین پلیس فتا تهران بزرگ)، تشکیل ۳۰ پرونده کلاه‌برداری بین‌المللی کروناپی (گزارش سایت پلیس، یکشنبه ۲۵ اسفند ۱۳۹۸، مصاحبه جانشین پلیس بین‌الملل ناجا)، وجود ۲۴ هزار و ۶۸۰ پرونده تقلب در بازه ۱۰ ماهه سال ۱۳۹۸ (خبرگزاری برنا، ۵ بهمن ۱۳۹۸) و گلایه‌تغزیرات از بی‌تفاوتی اتحادیه‌ها و سازمان استاندارد به تقلب در کسب (خبرگزاری تسنیم ۲۳ تیر ۱۳۹۹) و سهم ۱۰ الی ۱۴ درصدی جرایم در سطح کشور مرتبط با حوزه جعل و کلاه‌برداری (خبرگزاری پلیس ۲۴ اردیبهشت ۱۳۹۷) و کلاه‌برداری به عنوان ۱۰ اتهام اول آمار در زمینه کیفری (ایرنا، ۲۰ شهریور ۱۳۹۷، مصاحبه رئیس مرکز آمار و فناوری اطلاعات قوه قضاییه) و سهم زیاد کلاه‌برداری‌های اینترنتی به عنوان جرایم در فضای مجازی از جمله

شاخص‌هایی است که می‌توان به وضعیت نامطلوب رشد فریب‌کاری اجتماعی دست یافت.

بی‌تردید نوع مواجهه افراد جامعه با این ناهنجاری اجتماعی، می‌تواند آن را به صورت فراگیر و شایع پدیدار نماید یا به کاهش آن منجر شود. با توجه به افزایش این نوع کج‌روی‌های اجتماعی و دامنه تبعات فرهنگی-اجتماعی ناشی از گسترش آن، ضرورت مطالعه این پدیده ناهنجار اجتماعی آشکار می‌شود. آنچه در این مطالعه مدنظر می‌باشد، فریب‌کاری افراد علیه همدیگر است. در اغلب فریب‌کاری‌ها هیچ‌خطر یا خشونت‌ی قربانی را تهدید نمی‌کند، بلکه نقشه و نیرنگ و ترفند فریب‌کارانه و فریب‌استراتژیک با سناریو مشخص قربانی را به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم وادار می‌کند تا آنچه برای فریب‌کار ارزشمند می‌باشد، داوطلبانه ارائه کند یا انجام دهد. این تحقیق درصدد درک و فهم تجربه فریب از منظر قربانیان فریب‌کاری‌های اجتماعی از طریق شناسایی پیامدها و راهبردی‌های مواجهه فرد فریب‌خورده می‌باشد.

پیشینه و مبانی نظری

در مطالعات کیفی درک و فهم دنیای اجتماعی سوژه و مواجهه وی با موضوع و پدیده، دارای اهمیت است. بدین جهت به کارگیری تئوری در این تحقیقات الزامی نمی‌باشد و در مطالعات کیفی مرور تئوری‌ها به صورت عمد برای آشنایی با ادبیات تحقیق و شناسایی ابعاد موضوع و طرح سؤالات و کسب حساسیت نظری محقق می‌باشد.

نظریه سبک زندگی بزه‌دیده: از نظر هیندلنگ خطر و ریسک بزه‌دیدگی افراد به سبک زندگی مختلف افراد در جامعه بستگی دارد که شامل دو دسته فعالیت‌های شغلی و فعالیت‌های فراغت و زمان بیکاری است. از دیدگاه این تئوری اشخاص سبک زندگی خود را از انتظارات و قیده‌های ساختاری جامعه اقتباس می‌کنند و اشخاص سعی

می‌کنند که رفتارهای خود را با آن‌ها تطبیق دهند (هیندلینگ^۱، ۱۹۷۸: ۳۱). افراد حسب جایگاه اجتماعی خود سبک زندگی متفاوت و در نتیجه میزان بزه‌دیدگی متفاوتی را تجربه می‌کنند. با فعالیت‌هایی که یک شخص به‌عنوان زندگی خود انتخاب می‌کند در واقع سطح آشکارسازی خود را در برابر موقعیت‌ها و تعاملات تعیین می‌کند (فیشر و دایجل^۲، ۲۰۱۰: ۹۷۹).

این دیدگاه بزه‌دیده را آسیب‌ساز می‌خواند و به نقش و سهم او در پدید آوردن کج‌روی و بزه توجه می‌کند. صاحب‌نظران این دیدگاه مشارکت بزه‌دیده را در آسیب این‌طور مطرح کرده‌اند: نخست: رفتارهایی که خطر یا مجال بزه‌دیدگی را فزونی می‌بخشد؛ رفتارهای حاکی از دعوت، ترغیب یا رفتار نسنجیده بزه‌دیده. دوم: تسهیلاتی که خود بزه‌دیده آن را آگاهانه یا ناآگاهانه برای وقوع بزه فراهم می‌آورد. سوم: صدور نشانه‌هایی از سوی بزه‌دیده (مانند حرکات، اشارات و حالات خاص بدنی یا قرار گرفتن در برخی موقعیت‌های خاص) که نشانه آسیب‌پذیری او در مقابله با مهاجمان بالقوه بااستعداد بزه‌دیدگی در اوست. چهارم: بی‌حفاظ بودن بزه (سلیمی و داوری، ۱۳۸۰: ۳۲۷). زندگی بزه‌دیده از طریق اختلاف قبلی بین مجرم و بزه‌دیده و معاشرت و زندگی در بین بزه‌کاران بالقوه و بالفعل و تعیین نقاط آسیب‌پذیر مانند دارایی‌ها و سرمایه‌ها منجر به افزایش احتمال بزه‌دیدگی شود (ریدبرگ^۳، ۲۰۱۴: ۳۴۰).

فاکتورهای سبک زندگی قربانی می‌تواند با درگیر کردن قربانی با بزه‌کار، افزایش حضور کنار مجرمان مستعد و با درک میزان آسیب‌پذیری قربانی و وسوسه دستیابی آسان به قربانی وی را در معرض آسیب‌دیدگی قرار دهد (پزارو^۴، ۲۰۱۱: ۳۶۷).

1. Hindelang
2. Fisher, B. S. & Daigle, L. E.
3. Rydberg
4. Pizarro

تئوری شتاب‌زدگی بزه‌دیده: مطابق این دیدگاه برخی اشخاص ممکن است موجبات بزه‌دیدگی خویش را فراهم نمایند. شتاب‌زدگی بزه‌دیده به شتاب‌زدگی فعال و شتاب‌زدگی منفعل تقسیم می‌شود. شتاب‌زدگی فعال زمانی محقق می‌شود که بزه‌دیده به تحریک طرف مقابل جهت ارتکاب بزه پرداخته است. در شتاب‌زدگی منفعل، بزه‌دیده ناخواسته و به علت وجود برخی ویژگی‌ها، منافع بزه‌کار را تهدید می‌کند و نادانسته او را تهییج می‌کند. عواملی مانند رقابت‌های شغلی به‌طور هم‌زمان و بدون این‌که بزه‌دیده متوجه این امر باشد که شغل وی، منافع دیگری را هم مورد تهدید قرار می‌دهد، از این جمله هستند.

تئوری اعمال روزمره: از نگاه این تئوری، اجتماع انباشته از مجرمان برانگیخته‌ای است، که آماده ارتکاب جرم هستند. از این‌رو پایین بودن ایمنی و محافظت در برخی گونه‌ها، آماج‌های مناسبی را برای دست‌یازیدن به ارتکاب جرائم توسط چنین مجرمان بالقوه‌ای فراهم می‌کند. در مورد بزه مالی علت بزه‌دیدگی می‌تواند ناشی از جاذبه‌های اقتصادی متمرکز در مراکز تجاری چون انباشت کالا و نقدینگی فراوان، ازدحام جمعیت و... باشد.

نظریه فریب‌کاری میان فردی: بر اساس نظریه فریب‌کاری میان فردی^۱، انسان‌ها در موقعیت‌های متقابل یا تعاملی می‌توانند فریب‌کار، دروغ‌گو و حتی ضعیف به‌شمار آیند. اگرچه فریب‌کاری مبتنی بر راهبرد اغلب منجر به اضافه بار شناختی می‌شود. از طریق ارتباطات بیشتر، فریب‌کار در نهایت تشخیص داده می‌شود؛ اما پاسخ‌دهنده‌ها معمولاً به این علائم آشکار به‌خاطر سوگیری کاملاً قوی توجه نمی‌کنند، بنابراین وقتی پاسخ‌دهنده‌ها به شکست می‌افتند، فریب‌کاران می‌توانند نحوه‌ی معرفی خود را برای کاهش سوءظن کم کنند. این امر بر رفتارها و ارتباطات عمودی بین فرستنده و گیرنده در گفتگوها و همچنین رفتار غیرارادی و واکنش‌های عاطفی آن‌ها تمرکز می‌کند. این

نظریه توسط بورگن و بولر در سال ۲۰۱۵ ارائه شده است که برخلاف نظریه‌های قبلی متمرکز بر روی واکنش‌های ناخواسته و غیرارادی، آن‌ها بر اقدامات داوطلبانه، عوامل اجتماعی و فعل و انفعال ارتباطی بین فرستنده و گیرنده تأکید کردند. آن‌ها بیان داشتند که روش‌های فریب‌کاری می‌توانند از طریق رفتارهای غیرکلامی و شفاهی که نیاز به تفکر کمی دارند و یا از پیش برنامه‌ریزی شده هستند، به کار روند. مدیریت اطلاعات برای فریب، امری بنیادین است مانند طفره رفتن، پنهان کردن و محتوای اصلی پیام (معمولاً شفاهی) را مدیریت کنند و سبک زبان و رفتارهای غیرکلامی را همراهی کنند. فرستنده و گیرنده هر دو به ارزیابی و تفسیر اقدامات یکدیگر می‌پردازند. ویژگی‌های بافت ارتباطی فریبده می‌تواند به‌طور نظام‌مند شناخت گیرنده را تحت تأثیر قرار می‌دهد. تعامل، فرصت‌هایی را برای بازخورد بلادرنگ، قابلیت سازگاری و انطباق فریب و تشخیص آن تغییر می‌دهد. افراد در روابط نزدیک یکدیگر را می‌شناسند، ارزش‌ها، روال‌های روزمره و سبک ارتباطی متداول هم را می‌دانند و بر روی همان‌ها سرمایه‌گذاری می‌کنند تا پیام‌ها را قابل قبول سازند. در مورد چگونگی تأثیر عوامل زمینه‌ای و حالات عاطفی در طی فریب، ترس از تشخیص فریب به‌طور مثبت تحت تأثیر این موضوع است که چقدر رفتار فریب‌کارانه فرستنده توسط گیرنده پیام فریب دریافت شود؛ این موضوع به‌طور معکوس با انتظارات نسبت به صداقت و آشنا بودن آن‌ها با فرستنده پیام ارتباط دارد. در شرایطی که افراد دارای ارتباط روبه‌رو هستند و با کسانی ارتباط دارند که آن‌ها را دوست دارند و به آنان اعتماد دارند، نسبت به زمانی که از یک رسانه الکترونیکی استفاده می‌کنند، تشخیص فریب کاهش می‌یابد (بورگن و بولر^۱، ۲۰۱۵: ۵).

به‌نظر می‌رسد این نظریات با معطوف بودن بر بزه‌دیدگی به نقش بزه‌دیدگان در وقوع بزه‌دیدگی متمرکز شده‌اند و با اشاره به سبک زندگی قربانی، نقش فعالیت‌های شغلی و

1. Burgoon, J. K. & Buller, D. B.

فعالیت‌های فراغت و زمان بی‌کاری فرد را جزو عوامل جذب مجرم مؤثر می‌دانند. این نظریات بر بزه‌دیده آسیب‌سازی که با ترغیب یا رفتار نسنجیده، مجرم را تحریک می‌کند و یا تسهیلاتی را آگاهانه یا ناآگاهانه برای وقوع بزه فراهم می‌کند و مجرم به آسانی به قربانی دسترسی می‌یابد، اشاره دارد. بر اساس این تئوری‌ها نقش بزه‌دیده می‌تواند یک نقش انگیزشی (جذب، برانگیختگی، اغوا، تهییج) و یا یک نقش کارکردی (تحریک، تسریع، تسبیب، تسهیل و مشارکت) باشد.

پیشینه

مطالعات بسیار محدودی با کلیدواژه فریب انجام شده است. این تحقیقات نیز به صورت عمده معطوف به عوامل فریب می‌باشد از جمله: سلیمانی و همکاران (۱۳۹۶) شرایط علی وقوع فریب را ضعف دین‌داری، رفتارهای توجیهی - جبرانی، سوء مدیریت در کسب و کار، طمع‌ورزی، ضعف اخلاق حرفه‌ای، نبود نظارت صحیح، ضعف آموزش، دستیابی سریع به اهداف بر شمرده‌اند. بخشی و اخلاقی (۱۳۹۵) در مورد تصور زائران از فروشندگان مشهد بیان داشتند که به ترتیب منفعت‌طلبی، فریب‌کاری و خوش‌رویی بیشترین فراوانی را در بین صفات دارد.

در مورد قربانی‌شناسی و بزه‌دیدگی نیز مطالعات اندکی انجام شده است. بخشی از مطالعات مرتبط با دانش بزه‌دیده‌شناسی است مانند: مطالعه پاک‌روش (۱۳۷۸) با عنوان «بزه‌دیده‌شناسی: رویکردی جدید به بزه» و نیز مطالعه صفاری (۱۳۸۴) با عنوان «روش زندگی و تأثیرگذاری بزه‌دیده بر وقوع جرم» و تحقیق توجیهی و نجفی‌ابرنادآبادی (۱۳۷۸) با عنوان «بزه‌دیده‌شناسی و مشکل بزه‌دیدگی‌های گزارش نشده» که به عوامل گزارش نشدن بزه‌دیدگی‌ها از جانب قربانیان پرداخته است. گروهی از مطالعات نیز به زنان بزه‌دیده اختصاص دارد مانند: مطالعه حاجی‌ده‌آبادی و سلیمی (۱۳۹۷) با عنوان «علت‌شناسی بزه‌دیدگی زنان در شبکه‌های اجتماعی»، مطالعه جوان‌جعفری، بجنوردی و شاهیده (۱۳۹۳) با عنوان «نقش زنان بزه‌دیده در ارتکاب جرائم جنسی» و مطالعه صادقی‌فسائی و همکاران (۱۳۹۲) با عنوان «درک و تصور زنان از قربانی‌شدن» و

همچنین مطالعه زینالی (۱۳۸۳) با عنوان «اثرات فقدان حمایت کیفری مناسب از زنان بر بزه دیدگی آن‌ها». برخی از مطالعات نیز نقش بزه‌دیده‌ها را فارغ از جنسیت مطالعه نموده‌اند: مطالعه خسروشاهی و همکاران (۱۳۹۵) با عنوان «نقش بزه‌دیده در تحقق جرم کلاه‌برداری و راه کارهای پیشگیری از آن» و مطالعه حسینی (۱۳۹۰) با عنوان «جایگاه بزه‌دیده در جرائم علیه اموال و مالکیت».

در مجموع می‌توان بیان نمود مطالعات در حوزه نیرنگ و فریب کاری اجتماعی و نیز مصادیق آن در ایران بسیار محدود است. در حوزه بزه‌دیدگی و قربانی‌شناسی نیز مطالعات به صورت عمده با رویکرد حقوقی و یا جرم‌شناختی انجام شده است. با این توضیحات به نظر می‌رسد مطالعه حاضر به‌عنوان پژوهشی جامعه‌شناختی در زمینه فریب در تعاملات اجتماعی و مطالعه چالش‌های قربانیان و بزه‌دیده‌های فریب به روایت سوژه‌ها دارای سابقه نیست؛ به‌ویژه آن‌که این پژوهش با روش کیفی انجام شده است. در ادامه به برخی مطالعات خارجی هم اشاره می‌شود.

کورايشا جوم راتی^۱ (۲۰۱۹) در مقاله خود بیان داشت که این احساس قوی در بین قربانیان قلب مالی وجود دارد که آن‌ها را به‌عنوان افراد حریص قضاوت و سرزنش می‌کنند. قربانیان اغلب تحت تأثیر این ماجرا مورد تحقیر قرار می‌گیرند و مدت زمان طولانی در این وضعیت روانی قرار می‌گیرند. برخی از آن‌ها خود را از جامعه و خانواده‌های خود جدا می‌کنند به این دلیل که در مورد درآمد و سرمایه خانواده فریب خورده‌اند. بسیاری از قربانیان از ناتوانی در حفظ اعتماد به مقامات، مؤسسات مالی و دیگر افراد پس از ماجرای قربانی شدن خبر داده‌اند. یک حس سنگین از سرزنش و مسئولیت در آن‌ها دیده می‌شود. سرزنش قربانی، نه تنها از جامعه، بلکه از سوی خود قربانیان نیز نشأت می‌گیرد.

1. Quraisha, Joom ratty Bibi

کاساندراس کراس^۱ (۲۰۱۸)، در مقاله خود بیان می‌کند: این باور که پلیس نمی‌تواند کمک کند و نیز ترس از تلافی مجرم یا دستگیری در دسردار مجرم و ... جزو هزینه‌های گزارش فریب کاری محسوب می‌شود.

اسچنومان^۲ (۲۰۱۷) در مقاله خود بیان می‌کند که تأثیر فریب مالی و کلاه برداری بر فرد بزرگ سال بیشتر است. قربانی نه تنها اعتماد خود را به دیگران از دست می‌دهد، بلکه اعتماد به نفس خود را هم از دست می‌دهد و دچار احساس گناه، شرم، ناباوری، خشم، افسردگی و حس خیانت می‌شود. برخی از سالمندان پس از قربانی شدن در سوءاستفاده مالی و فریب خوردن خود با هیچ کس صحبت نمی‌کنند به دلیل این باور که هیچ کاری از دستشان ساخته نیست، برخی از قربانیان نیز از ترس تهدیدات جانی از سوی فریب کاران این موضوع را فاش نکرده یا درخواست کمک نمی‌کنند، زیرا درخواست کمک به معنای آن است که دیگر قادر به مراقبت از خودشان نیستند یا به جهت حفاظت از اعضای خانواده خود دم بر نمی‌آورند و سکوت می‌کنند، به ویژه در شرایطی که از سوی اعضای خانواده خود مورد کلاه برداری و فریب قرار گرفته باشند.

پام، ویکتوریا و ازایا^۳ (۲۰۱۶) در مطالعه خود نشان داده‌اند گاه قربانیان اعتماد به نفس خود را از دست می‌دهند. گاه اعتماد خود را نسبت به دیگران از دست می‌دهند و گاه به دلیل ترس از انتقاد اعضای خانواده، دوستان و همکاران در مورد بزه دیدگی خود سخنی نمی‌گویند و یا آن را انکار می‌کنند و یا تردید می‌کنند.

کراس، کاساندراس، ریچارد و کلی^۴ (۲۰۱۶) در مقاله خود بیان می‌کنند که از دست‌دان تمام دارایی و توان مالی و مجبور شدن آن‌ها به دریافت وام برای سالیان سال، از دست دادن تمام سرمایه‌ای که با صرفه‌جویی جمع کرده بودند و هدر دادن پول‌های خود و

1. Cassandra Cross

2. Molly Schuneman

3. Pam, Victoria and Ozoya

4. Cross & Cassandra & Richards & kely

مجبور شدن برای گرفتن و کیل و هزینه پیگیری مدنی این مشکل، از جمله این مسائل است. آن‌ها به تأثیرات جسمی و پیامدهای سلامتی این ماجرا هم اشاره کردند: بد خوابی، تهوع، کاهش وزن. برخی از آن‌ها به کشور دیگر سفر کردند تا مجرم را ملاقات کنند و مقابله به مثل کنند و پول خود را احیا کنند. قربانیان به تأثیرات کلاهبرداری بر روابط آن‌ها با شریک زندگی خود، والدین و فرزندان اشاره کردند.

هاروی و همکاران^۱ (۲۰۱۴) در مقاله خود به تجربیات، رفتارها و تصمیمات قربانیان می‌پردازند تا فرصت مداخله و برهم زدن تعلب به سایرین را فراهم کنند. آن‌ها معتقدند افراد کلاه‌بردار نه تنها قربانی را به گمراهی می‌کشند، بلکه آن‌ها را به صورت فعالانه به یک رابطه عاطفی هم کشیده و وابسته می‌کنند. آن‌ها تجربه فریب خود را با شرکا یا اعضای خانواده خود فاش نکرده بودند، مگر آنکه چاره‌ای جز افشای آن نداشتند.

کرلی و همکارش^۲ (۲۰۰۲) در مقاله خود بیان کردند که رایج‌ترین واکنش به بزه‌دیدگی از جرائم یقه سفید، خشم، ناامیدی و انزجار است. قربانیان اغلب واکنش‌های مانند افسردگی و مشکلات زناشویی تجربه می‌کنند. به مقدار مال از دست رفته نیز بستگی دارد و این که چه کسی گزارش‌ها را کنترل می‌کند. افرادی که مقدار کمی پول را از دست داده بودند، معمولاً کمتر گزارش می‌دادند. خودشان احساس تقصیر و گناه کنند که با مجرم همکاری کرده‌اند. معمولاً معتقدند که یک فرآیند طولانی جهت رسیدگی به مسئله قربانی شدن آن‌ها در فریب طی خواهد شد. این ترس از یک فرآیند طولانی و پرهزینه باعث می‌شود که تمایلی به گزارش جرم نداشته باشند.

مرور مطالعات پیشین نشان داد که حوزه جامعه‌شناسی با نبود مطالعه عمیق و منسجم در حیطه تجربه زیسته قربانیان فریب در ابعاد مختلف مواجه می‌باشد و اتخاذ رویکرد اکتشافی و جامعه‌شناختی برای کشف ابعاد پنهان مواجهه با چالش‌های فریب ضروری

1. Harvey

2. Kerley, K. R. & Copes, H.

است؛ بنابراین تلاش می‌شود با انجام مطالعه‌ای کیفی، ابعاد این موضوع شناسایی و تبیین شود.

روش

انتخاب روش تحقیق از موضوع تحقیق تبعیت می‌کند؛ از آنجا که موضوع تجربه زیسته فریب در بین قربانیان دارای ابعاد ناشناخته‌ای است، اتخاذ روش کیفی و بهره‌گیری از داده‌های کیفی و روایت قربانیان می‌تواند درک و بینشی عمیق به دست دهد. برای جمع‌آوری داده‌ها از روش مصاحبه نیمه ساختاریافته استفاده شده است. جامعه یا میدان مطالعه تمام زنان و مردان ۲۵ سال و بیشتر است که در کلان‌شهر تهران دارای تجربه زیسته درگیری در فریب بوده‌اند. در این نوع نمونه‌گیری افرادی انتخاب می‌شوند که اطلاعات مورد نیاز را به بهترین وجه در اختیار پژوهش‌گران قرار دهند. روش نمونه‌گیری از نوع نمونه‌گیری هدفمند^۱ است که حداکثر تنوع در ویژگی‌های جمعیتی چون سن، جنس، وضعیت اشتغال، تأهل، تحصیلات، طبقه اقتصادی اجتماعی و حداکثر تنوع در تجربه انواع فریب لحاظ شده است. در گام اول تلاش شد تا با روش گلوله برفی از شرکت‌کننده اول خواسته شود تا افراد دارای تجربه درگیری در فریب را به محقق ارجاع دهد. در گام دوم تلاش شد به مراکزی که افراد قربانی جهت اعاده حق یا دادخواهی مراجعه می‌کنند مانند دادگاه‌ها و دادسراها و پلیس فتا و حتی شوراهای حل اختلاف جهت پیدا کردن سوژه‌ها مراجعه شود. بخشی از مشارکت‌کنندگان با همکاری و کلا معرفی شدند و بخشی با مراجعه به پرونده قضایی در دفاتر مشاوره حقوقی دوستان معرفی شدند و در نهایت تعدادی از مشارکت‌کنندگان نیز در مراکز عمومی و با توضیح در مورد موضوع فریب‌کاری در زندگی روزمره و تعاملات مختلف مجاب به مشارکت در تحقیق شدند. معیار

۱. در پژوهش کیفی، معمولاً واحدهای نمونه بر اساس هدف خاصی که مورد توجه محقق است و بر اساس نیاز پژوهش انتخاب می‌شوند تا اطلاعاتی غنی و عمیق از آن‌ها به دست آید. این نوع نمونه‌گیری را نمونه‌گیری هدفمند می‌نامند.

قضاوت در مورد زمان متوقف کردن نمونه‌گیری، کفایت نظری مقوله‌ها یا نظریه است. گلنیرر و استراوس^۱ با واژه کفایت نظری به وضعیتی اشاره دارند که در آن هیچ داده بیشتری یافت نمی‌شود که پژوهش‌گر به وسیله آن بتواند ویژگی‌های مقوله لازم را به دست آورد (دانائی فر و امام، ۱۳۸۶: ۸۰).

در این تحقیق جهت تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی از روش تحلیل تماتیک استفاده شد. این نوع تحلیل یکی از متعارف‌ترین و پرکاربردترین روش‌های تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی است. براون و کلارک^۲ (۲۰۰۶) شش مرحله را برای انجام تحلیل تماتیک مطرح می‌کنند: ۱- آشنایی با داده‌ها؛ ۲- تولید کدهای اولیه؛ ۳- جستجوی مقولات کدها که می‌تواند مقولات مشابه با هم ترکیب شود و مقولات متفاوت نیز تغییر یا اصلاح شوند؛ ۴- بازنگری مقولات کل داده‌ها و کدهای مفهومی و مقولات بازنگری از نظر انسجام کدهای مفهومی و مقوله‌های مستخرج و اطمینان از درستی مقوله‌سازی‌ها و توجه به شباهت‌ها و تفاوت‌های مقولات و به دست آوردن نقشه تماتیک مقولات؛ ۵- تعریف و نام‌گذاری مقولات و ۶- مرحله آخر تهیه گزارش است. در این مرحله نقل قول‌ها برای مقولات مجدد بررسی می‌شود و با سؤالات مطالعه مجدد بررسی شد (براون و کلارک، ۲۰۰۶).

برای ارزیابی پژوهش نیز از اعتمادپذیری و انتقال‌پذیری استفاده شد. در این تحقیق تلاش شد ضمن ثبت دقیق مراحل جمع‌آوری و نحوه تجزیه و تحلیل داده‌ها، از نظرات تکمیلی همکاران، بازنگری توسط برخی مشارکت‌کنندگان و بررسی داده‌ها توسط سایر محققان برای افزایش مقبولیت داده‌ها استفاده شود. برای اطمینان از درستی یافته‌ها نیز پژوهشگران زمان کافی را به مصاحبه و جمع‌آوری داده‌ها اختصاص داده‌اند و با مرور چندباره داده‌ها تلاش نمودند اطلاعات دقیق و عمیقی به دست آورند. مشخصات مصاحبه‌شوندگان از حیث جنس، سن، تحصیلات، وضعیت تأهل، شغل و

1. Glaser & Strauss

2. Braun v. Clarke

موضوع فریب در جدول شماره (۱) ارائه شده است. لازم به ذکر است که اسامی در این جدول واقعی نیست و جهت حفظ امانت از اسامی مستعار استفاده شده است.

جدول ۱- مشخصات مصاحبه‌شوندگان از حیث جنس، سن، تحصیلات، وضعیت تأهل، شغل و موضوع فریب

ردیف	نام	جنس	سن	تحصیلات	تأهل	شغل	موضوع فریب
۱	لیلا	زن	۳۲	دیپلم	مجرد	بی کار	فریب جنسی (صیغه)
۲	فرناز	زن	۳۰	لیسانس	مجرد	کارمند شرکت	فریب جنسی (مدلینگ)
۳	گیتی	زن	۲۳	دیپلم	متارکه	خانه‌دار	ازدواج برای سفر به خارج و رها کردن زن
۴	ثریا	زن	۵۳	ابتدایی	متأهل	خانه‌دار	قرض دادن به بهانه بیماری
۵	سعید	مرد	۲۷	فوق‌دیپلم	متارکه	کار آزاد	دادن وکالت طلاق به زن
۶	بیتا	زن	۳۳	لیسانس	متارکه	منشی شرکت	فریب مالی با عقد دختر
۷	سایه	زن	۳۰	لیسانس	مجرد	کارمند	فریب مالی در پرداخت دستمزد
۸	ستاره	زن	۳۲	دانشجوی دکتری	مجرد	مربی ورزش	فریب در ساخت پروژه ساختمانی
۹	لیدا	زن	۲۵	لیسانس	مجرد	بیکار جویای کار	عرفان کاذب و سوءاستفاده جنسی
۱۰	فروغ	زن	۴۹	لیسانس	مجرد	کارمند دولت	شرکت‌های هرمی
۱۱	فرزانه	زن	۳۳	لیسانس	مجرد	اپراتور شرکت	ضمانت وام گیرنده و فرار وی
۱۲	مریم	زن	۴۷	دیپلم	متأهل	خانه‌دار	شرکت‌های هرمی
۱۳	زهره	زن	۴۸	لیسانس	متارکه	معلم	هوو شدن یک زن با فریب عاطفی قربانی
۱۴	محمود	مرد	۶۱	دیپلم	متأهل	بازنشسته	فریب کاریابی خارج کشور و کپی طرح‌های شغلی
۱۵	امیر	مرد	۴۲	دانشجوی دکتری	متأهل	کارمند دولت	فریب در خرید ملک در محدوده طرح‌های شهرداری
۱۶	رزا	زن	۲۸	لیسانس	مجرد	مدیر استخر	فریب به گردن گرفتن خطای همکار در محل کار

ردیف	نام	جنس	سن	تحصیلات	تأهل	شغل	موضوع فریب
۱۷	بهزاد	مرد	۴۸	دیپلم	متأهل	تولیدی پوشاک	فریب (مرد) در صیغه شدن زن با مرد فریب خورده
۱۸	بیژن	مرد	۴۹	لیسانس	متارکه	کارمند دولت	فریب خوردن توسط زن خود در موضوع سند زدن خانه به نام همسر
۱۹	سارا	زن	۳۹	راهنمایی	متأهل	خانه‌دار	همسر دوم شدن بدون اطلاع از ازدواج قبلی مرد
۲۰	کوروش	مرد	۴۲	دکتر	متأهل	مدرس دانشگاه	فریب در خرید ماشین تصادفی
۲۱	حبیب	مرد	۷۰	دیپلم	متأهل	بازنشسته	برداشت پول با فریب قرعه‌کشی کربلا
۲۲	پروین	زن	۳۵	لیسانس	متأهل	خانه‌دار	جعل هویت زنانه توسط یک مرد در فضای مجازی و فریب زن
۲۳	ناصر	مرد	۳۸	فوق‌دیپلم	مجرد	بیکار جویای کار	فال اینترنتی و جادو ... در فضای مجازی و فریب مالی
۲۴	فرهاد	مرد	۳۰	دیپلم	مجرد	شغل آزاد	کمک مالی به موسسه‌ای جعلی در فضای مجازی
۲۵	آرش	مرد	۲۸	ارشد	مجرد	بیکار جویای کار	فریب در خرید آنلاین
۲۶	الهام	زن	۴۰	لیسانس	متأهل	خانه‌دار	فریب در خرید آنلاین
۲۷	شاهین	مرد	۴۱	دانشجوی دکتری	مجرد	مدرس دانشگاه علمی کاربردی	فریب همکاری علمی در فضای مجازی
۲۸	مهرداد	مرد	۳۵	فوق‌دیپلم	متأهل	معلم مدرسه غیرانتفاعی	فریب در دریافت وام ضروری (سایت وام‌دهی)
۲۹	حدیث	زن	۳۷	لیسانس	مجرد	کارمند دولت	فریب در خواستگاری از طریق فضای مجازی
۳۰	همایون	مرد	۴۷	راهنمایی	متأهل	خانه‌دار	فریب طلاق صوری و ازدواج مرد با زنی جوان
۳۱	مسعود	مرد	۳۲	دکتر	مجرد	مدرس و	فریب در همکاری علمی و تألیف

ردیف	نام	جنس	سن	تحصیلات	تأهل	شغل	موضوع فریب
						محقق	مقاله با استاد
۳۲	یوسف	مرد	۴۵	دیپلم	متاهل	شغل آزاد	فریب کار چاق کنی در پرونده دادگاه
۳۳	مهران	مرد	۳۱	دکترا	مجرد	بیکار جویای کار	فریب پرداخت پول برای مهاجرت به خارج
۳۴	ندا	زن	۳۴	دیپلم	متاهل	خانه‌دار	بیماری روحی و انرژی درمانی و آزار جنسی
۳۵	فرشته	زن	۲۸	فوق لیسانس	مجرد	شغل آزاد	برقراری ارتباط عاطفی با پسر و قول محدود شدن روابط به حوزه عاطفی

یافته‌ها

چالش‌های تجربه فریب

• چالش‌های اجتماعی

- کاهش سرمایه و اعتماد اجتماعی

یکی از پیامدهای فریب کاری‌های اجتماعی فروریختن دیوار اعتماد و زوال اعتماد بین فردی است. افراد جامعه بعد از درگیری در فریب‌های اجتماعی دچار ترس از فریب کاری در اغلب تعاملات اجتماعی می‌شوند که به بی‌اعتمادی، سلب مشارکت، سست شدن پیوندهای اجتماعی بین افراد و ایجاد سوءظن منجر می‌شود. از سوی دیگر فرسایش اعتماد اجتماعی می‌تواند فرد را به این نتیجه خلاف اخلاق برساند که اسم رمز موفقیت اجتماعی در جامعه فریب کاری است و اعتماد اعضای جامعه موجب سوءاستفاده یا از بین رفتن سرمایه‌های اعضا خواهد شد. وجود فریب کاری به تدریج جامعه را در دو قطبی شدید اعتماد و بی‌اعتماد سوق می‌دهد. فرسایش اعتماد اجتماعی، موجب اختلال رابطه‌ای می‌شود؛ و در نتیجه استحکام اجتماعی خدشه‌دار شده و آسیب‌پذیری جامعه و افراد فزونی می‌گیرد. بیتا ۳۳ ساله درباره تأثیرات فریب در روابطش می‌گوید: «تمام رویاهام برای ازدواج و تشکیل زندگی به باد رفت، الآن دیگه

نمی‌تونم به کسی اعتماد کنم و احساس می‌کنم هیچ مردی صادق نیست و همه میان که به سوءاستفاده عاطفی و مالی و شاید هم جنسی کنن و برن (کد ۶).

- فریب مجدد و باز آسیب‌پذیری

از پیامدهای پدیده فریب، قربانی شدن دوباره یا درگیری وی در فریب‌های ترکیبی است. تجربه مجدد فریب در زندگی و بازیچه شدن در دست فریب‌کار که صدمات چندگانه‌ای را بر قربانی فریب وارد می‌سازد. برخی از سوژه‌ها از آسیب‌پذیری مضاعف و زنجیره درد و فلاکت شکایت داشتند. همچنین ناکامی قربانی در احقاق حق خود و نداشتن مدرک یا حمایت نشدن توسط نظام قضایی در پیگیری شکایت موجب تشدید فریب و تبعاتش می‌شود. کسری ۴۹ ساله هم در مورد فریبی که در ازدواج برایش پیش آمده چنین می‌گوید: «اولین فریب این بود که بدون تحقیق ازدواج کردم. بعد فهمیدم اصلاً سازگاری نداره. به اصرار پیش مشاور رفتیم. مدتی رفتارش خوب شد و ازم خواست که چون اون کوتاه اومده من هم به نشانه علاقه‌ام، خونه را به نام اون بزنم. باز هم فریبش را خوردم. بعد از این کار منو از خانه بیرون کرد و داروندارم را بالا کشید» (کد ۱۸). بی‌تا ۳۳ ساله که خود را قربانی ۲ فریب می‌داند چنین روایت می‌کند: «من تو ازدواجم فریب خوردم، آرش گزینه خوبی برا زندگی نبود. اون با قربون و صدقه و وابستگی عاطفی منو فریب داد و بعد گفت پدرم داره ورشکست میشه، باید کمکش کنیم، من هم خام شدم و چون نمی‌خواستم از دستش بدم تموم پس‌اندازم را دادم الان هم از نظر عاطفی داغونم و هم از نظر مالی» (کد ۶). برخی از سوژه‌ها هم از این که در ماجرای فریب با مسئله برجسب‌زنی و کج‌روانگاری (قربانی) در نزد خانواده یا مراکز قضایی مواجه شده‌اند، روایت می‌نمودند. آن‌ها بیان می‌داشتند فریب خوردن یک زن (در هر نوع فریب) به‌ویژه از سوی یک مرد ناشناس می‌تواند برای او تبعات چندگانه‌ای در پی داشته باشد و زمینه آسیب‌های دیگر را ایجاد کند. ستاره ۳۲ ساله هم در مورد برجسب خوردن اخلاقی در دادگاه می‌گوید: «رفتم دادگاه از فریب سازنده حقه‌باز شکایت کنم، قاضی میگه اصلاً خانم شما با اون آقای غریبه چطور آشنا شدی؟»

(کد ۸). پروین ۳۵ ساله هم از تبعات منفی فریب جنسی در فضای مجازی می‌گوید: «اعتماد شوهرم به من کم شد و تا چند ماه مدام تو حرفاش تیکه می‌انداخت که خیلی بهت همیشه اعتماد کرد.» (کد ۲۲)

در جدول شماره (۲) کدهای مفهومی و مقولات فرعی چالش‌های اجتماعی قربانیان فریب شناسایی شده ارائه شده است.

جدول ۲ - کدهای مفهومی و مقولات فرعی چالش‌های اجتماعی قربانیان فریب

<p>کاهش سرمایه و اعتماد اجتماعی</p>	<p>تضعیف اعتماد بین فردی و هراس از اعتماد به دیگران، آبروریزی و خدشه به حیثیت قربانی و شکست ابهت عقلانی، انزوای اجتماعی و فاصله‌گیری از دیگران، کاهش اعتبار و منزلت اجتماعی قربانی، کاهش سرمایه ارتباطی و اجتماعی قربانی و کوچک شدن حلقه دوستان، سرزنش قربانی توسط دوستان و اطرافیان (معرفی فرد به‌عنوان طماع یا بی‌دست‌وپا)، ترس از فریب‌کاری در اغلب تعاملات اجتماعی، بی‌اعتمادی، سلب مشارکت، ایجاد سوءظن، بازنشر و شایعات نادرست در بین همکاران، تجدیدنظر در روابط با مردم پس از فریب، برهم خوردن روابط.</p>
<p>فریب دوباره (باز آسیب‌پذیری)</p>	<p>زنجیره درد و فلاکت، درگیری در سلسله فریب، تجربه دوباره فریب در زندگی، کج‌روانگاری قربانی، فریب کار آسیب‌زا، قربانی‌شدن مدرن، فریب ترکیبی، صدمات چندگانه، قرارگیری در موقعیت پرمخاطره، آسیب‌پذیری مضاعف در طول عمر، احساس خسارت بی‌پایان تکرار قربانی شدن (قربانی‌شدن مضاعف).</p>

• چالش‌های اقتصادی

فریب قربانی می‌تواند زندگی او را از نظر مالی دگرگون کند. سوزها از اتلاف سرمایه و خسارت مالی، از دست رفتن سرمایه اقتصادی، وارد شدن سختی و فشار مالی به جهت فریب اقتصادی، کاهش اعتبار و قدرت مالی در بازار کار و کاهش ریسک‌پذیری مالی سخن می‌گفتند. فریب‌های مالی به صورت عمده با انتفاع مادی فریب‌کار و زیان مالی فریب‌خورده همراه است که فشار معیشتی و اقتصادی را برای قربانی و گاه خانواده وی به همراه دارد. انواع فریب‌ها می‌تواند تبعات مالی را برای قربانی به‌همراه آورد. فرزانه ۳۳ ساله هم این‌گونه ادامه می‌دهد: «برای فریب ضامن شدن اون آدم دروغ‌گو تا چند ماه حسابم بسته بود تا اقساط معوقه رو جور کردم دادم خیلی فشار مالی به هم اومد. مبلغ قسط‌ها تا یکی دو سال اول برام خیلی سنگین بود و

بیشتر حقوقم را می‌خورد» (کد ۱۱). محمود ۶۱ ساله هم درباره از بین رفتن سرمایه‌اش می‌گوید: «تمام پول و سرمایه‌ای که برای کار و ازدواج پسرم کنار گذاشته بودم به خاطر فریبی که برای مهاجرت کاری پسرم خوردم از دستم رفت» (کد ۱۴). در جدول شماره (۳) کدهای مفهومی و مقولات فرعی شناسایی شده به عنوان چالش‌های اقتصادی قربانیان فریب شده است.

جدول ۳- کدهای مفهومی و مقولات فرعی چالش‌های اقتصادی قربانیان فریب

کاهش سرمایه اقتصادی	اتلاف سرمایه و خسارت مالی، از دست دادن پس‌انداز زندگی، از دست رفتن سرمایه اقتصادی، استثمار مالی توسط فریب‌کاران، انتفاع مادی فریب‌کار و زیان مالی فریب‌خورده، ضرر مالی، مقروض شدن و شکست مالی و نزول گرفتن، ضعف توانمندی مالی و اقتصادی، تأمین نشدن نیازهای ثانویه، فشار معیشت و زندگی اقتصادی، وارد شدن سختی و فشار مالی، هدر رفت سرمایه زندگی، هزینه شدن تمام وقت، انرژی و پول
کاهش قدرت اقتصادی	نداشتن پشتوانه مالی و ایجاد استرس مالی، از بین رفتن امنیت مالی قربانی و احساس ناامنی مالی، کاهش مشتری و تأثیر منفی بر حوزه شغلی، کاهش اعتبار و قدرت مالی در بازار کار، کاهش قدرت ریسک‌پذیری اقتصادی، هراس از معاملات و تعاملات مالی و ...

• چالش‌های خانوادگی

در اغلب فریب‌کاری‌ها خانواده از تأثیرات سوء فریب در امان نبوده، به گونه‌ای که یا آثار مخرب فریب از منظر مادی به خانواده آسیب رسانده یا آثار غیرمادی فریب، دوام یا حیثیت خانواده را تهدید نموده است. به بیان دیگر خانواده، گاه قربانی مستقیم و گاه قربانی غیرمستقیم فریب است. در مواردی نیز اعضای خانواده در مورد اتفاق و ماجرای فریب سوگیری و قضاوت می‌کنند و مشکلاتی را در بعد ارتباطات و تعاملات خانوادگی ایجاد می‌نمایند. در برخی موارد اعضای خانواده برخی قربانیان، دچار مشکلات مختلف مالی، روحی و حیثیتی شده و آرامش و تعاملات آن‌ها نیز تحت تأثیر ماجرای فریب قرار گرفته است. سوژه‌ها روایت نمودند که برهم خوردن مناسبات فAMILI، انزوای خانوادگی بعد از فریب، فروپاشی زندگی و ویرانی کاخ آرزوها، فاصله و جدایی از همسر و خانواده، قضاوت منفی و سرزنش اطرافیان و خانواده و

سرافکندگی خانوادگی و نیز خسارات مختلف مالی که دامن سایر اعضای خانواده را گرفته و برای آن‌ها مشکل آفریده از آثار فریب بوده است. سارا ۳۹ ساله که در ازدواج با یک مرد دارای همسر، دچار فریب در ازدواج شده این‌طور می‌گوید: «با این فریبی که خوردم و همسر دوم یک مرد زن و بچه‌دار شدم، همه فکر کردن من خودم رو به ایشون وا دادم. پیش فامیل و دوستانم، آبرو و حیثیتم به باد رفت. دیگه کسی با من رفت و آمد نداره» (کد ۱۹). ستاره ۳۲ ساله هم این‌طور روایت نمود: «این ماجرای فریب مالی که خوردم رابطه منو با خانواده خاله‌ام که این سازنده کلاش را معرفی کرده بودن، به هم زد.» (کد ۸). فروغ ۴۹ ساله از تبعات فریب کوئیس‌ت که دامن خانواده‌اش رو هم گرفت می‌گوید: «کلاً رابطه‌ام با خیلی از دوستانم و فامیل برای همین کوئیس‌ت به هم خورد. پدر و مادرم را از خودم رنجوندم و زندگی خانوادگیم را جهنم کردم.» (کد ۱۰). بهزاد ۴۸ ساله هم درباره اثرات فریب جنسی در حوزه خانوادگی می‌گوید: «این فریب عاطفی و جنسی روی زندگی خانوادگی من و رابطه‌ام با زنم تأثیر داشت. حتی اختلاف ما تا طلاق هم داشت نزدیک میشد.» (کد ۱۷). پروین ۳۵ ساله هم در مورد ماجرای فریبش در فضای مجازی این‌طور می‌گوید: «ماجرای فریبم از یک مرد که پروفایلش عکس یه زن بود و من بعد از کلی چت، عکسامو از سر اعتماد و فریب کاری اون مرد براش فرستادم، خیلی روی روابط من و شوهرم اثر بدی داشت تا مدت‌ها به من شک داشت و سر هر ماجرای قهر می‌کرد.» (کد ۲۲).

بر اساس روایت سوژه‌ها، فریب‌های خانوادگی می‌تواند پشتوانه حمایتی قربانیان فریب را از سوی خانواده تضعیف نماید. برخی از قربانیان فریب از حمایت نشدن توسط خانواده‌ها در جریانات و مشکلات پس از فریب و برخی از آن‌ها از قضاوت‌های منفی و نیز تنهایی خود در مواجهه با چالش‌ها شکایت می‌کردند. در جدول شماره (۴) کدهای مفهومی و مقولات فرعی چالش‌های خانوادگی قربانیان فریب ارائه شده است.

جدول ۴- کدهای مفهومی و مقولات فرعی چالش‌های خانوادگی قربانیان فریب

<p>کاهش تعاملات و ارتباطات خانواده</p>	<p>برهم خوردن مناسبات فAMILI و روابط در خانواده، بی‌توجهی عاطفی خانواده، انزوای خانوادگی بعد فریب، سرافکنندگی خانوادگی و آبروریزی در بین فAMILI و بزرگان، رفتارهای ترحم‌آمیز خانواده همراه با تحقیر، نمک روی زخم و دخالت به‌جای کمک از سوی خانواده و اطرافیان، ایجاد اختلافات خانوادگی، تبدیل روابط خانوادگی و تعاملات فAMILI به محل منازعه، برهم خوردن آرامش در خانواده‌ها.</p>
<p>کاهش حمایت خانواده</p>	<p>همراهی نکردن خانواده در رفع مشکل و تنها گذاشتن قربانی از سوی خانواده، نداشتن حمایت خانوادگی، بی‌پناهی در خانواده، فاصله و جدایی از اعضای خانواده، همسر و فرزندان، رنج اعضای خانواده با از دست دادن پس‌انداز زندگی، قضاوت منفی خانواده در مورد توانمندی قربانی، سرزنش و ملامت از سوی خانواده (معرفی فرد به‌عنوان طماع یا بی‌دست‌وپا).</p>

• چالش‌های اخلاقی - اعتقادی

قربانیان فریب پس از مواجهه با آثار زیان‌بار فریب بر زندگی فردی، خانوادگی و حتی اجتماعی خود، در مورد عوامل مؤثر در این موضوع به بررسی و تفکر می‌پردازند و گاه در این زمینه شخصیت اخلاقی خود را مؤثر می‌دانند؛ به‌طور مثال گاه دل‌سوزی و روحیه کمک کردن به دیگران را در شخصیت خود زیر سؤال می‌برند. فرزانه ۳۳ ساله مطرح می‌کند: «من معمولاً از دستم هر کمکی بریاد برای رفع مشکل آدما می‌کنم این بار هم ضامن شدم و طرف گذاشت رفت و اصلاً همه حرف‌هاش دروغ بود. کم کم دارم سعی می‌کنم این اخلاقم رو کنترل کنم.» (کد ۱۱).

محمود با ۶۱ سال سن در مورد فریب مالی از شاگردش روایت کرد: «وقتی طرف اومده و میگه شرمنده زن و بچه‌اش شده، من از سر غیرت و مردونگی بهش قرض دادم؛ حالا بعد از سه سال کلاً حاشا میکنه که به من پول دادی. من دیگه نه دل می‌سوزونم و نه به کسی کمک می‌کنم.» (کد ۱۴).

درگیری قربانیان در برخی فریب‌ها، اعتقادات دینی و پایبندی به اصول اخلاقی را در آن‌ها ضعیف نموده است. فریب‌خوردگان شبکه‌های هرمی از این پیامد اعتقادی فریب رازگشایی نمودند. فروغ ۴۹ ساله از تبعات فریب از شبکه‌های هرمی که دامن

خانواده‌اش رو هم گرفت و چنین روایت می‌کند: «باید هر کسی رو که می‌شناختیم با قسم و آیه و دروغ و کلک هم شده فالو می‌کردیم یعنی مخ می‌زدیم تا بیاد عضو کوئیست بشه. اصلاً دین و ایمان و اخلاق و خانواده و فامیل دیگه مهم نبود و یه آدم لابلالی و بی‌قید شده بودم که فقط می‌خواستم اونا را بکشم پایین که خودم را نجات بدم.»

در جدول شماره (۵) کدهای مفهومی و مقولات فرعی چالش‌های اخلاقی - اعتقادی قربانیان فریب شده ارائه شده است.

جدول ۵- کدهای مفهومی و مقولات فرعی چالش‌های اخلاقی - اعتقادی قربانیان فریب

<p>بازاندیشی اخلاقی</p>	<p>بازاندیشی در خود و انتظارات از خود، بازاندیشی در اخلاق هم‌یاری و کمک به دیگران، تضعیف شرافت و اخلاق و گرایش به دروغ، زیر پا گذاشتن وجدان و تعهد و اخلاق توسط فریب‌خورده در شبکه‌های هرمی، ایجاد روحیه کسب مقبولیت اجتماعی به‌واسطه مال زیاد حتی حرام، احساس دوقطبی ارزشی، دستیابی به نتایج غیراخلاقی جهت زندگی در جامعه، احساس نتیجه بخش نبودن روحیه گذشت و وجدان کاری در جامعه، احساس خسارت و باخت با وجود وجدان کاری.</p>
<p>تضعیف ایمان</p>	<p>ایجاد نفرت و انزجار از تیپ‌های به‌ظاهر مذهبی، بی‌اعتماد به افراد متدین به جهت فریب از طریق تظاهر به دین‌داری، احساس سوءاستفاده از اعتقادات و نگرش‌های مذهبی در کمک به افراد، ضعیف شدن ایمان و اعتقادی، تشکیک‌های اعتقادی، زیر سؤال بردن عدالت خدا برای قربانی شدن خود، ارزش‌زدایی از امور معنوی، خانواده و اخلاق، فراموشی یاد خدا و اهمیت یافتن ارزش‌های مادی.</p>

• چالش‌های روانی

فریب‌کاری‌های اجتماعی، دارای آثار مخرب عاطفی و روان‌شناختی نیز هستند. این پیامدها بسته به موضوع فریب و دامنه نفوذ فریب در حوزه‌های مختلف زندگی فرد متفاوت است. فریب‌هایی که محور اصلی آن حول روابط عاطفی بوده و فریب‌کار از این روابط و ایجاد وابستگی با قربانی در جهت اهداف و منافع خود سوءاستفاده نموده، شدت و درجه آسیب‌دیدگی فریب‌خورده در حوزه عاطفی بیشتر بوده است. قربانیان در روایت‌های خود در مورد شرایط بعد از فریب خود در حوزه عاطفی به احساس قلب

شکسته، سرمایه‌گذاری احساسی بی‌نتیجه، احساس باج‌گیری عاطفی، احساس بازیچه شدن در دست فریب‌کار، افزایش انرژی‌های منفی و کاهش انرژی مثبت عاطفی و... اشاره نمودند. در روایت‌های قربانیان تأثیرات فریب بر وضعیت روانی آن‌ها با اشارات مختلف مطرح شده است. برهم ریختن آرامش روحی و معنوی، هزینه‌های روانی، افسردگی، تنش و اضطراب، شکسته شدن غرور و عزت‌نفس، از دست دادن اعتماد به نفس، شوکه شدن و احساس ترس از فریب‌کار و افراد شرور متصل به وی، از جمله درگیری‌های روانی فرد قربانی است. در جدول شماره (۶) کدهای مفهومی و مقولات فرعی چالش‌های روانی قربانیان فریب ارائه شده است.

جدول ۶- کدهای مفهومی و مقولات فرعی چالش‌های روانی قربانیان فریب

آشفته‌گی روانی	شوکه شدن، احساس ناباوری و انتظار نداشتن، کاهش کیفیت زندگی، بی‌اعتنایی به امور شخصی، رؤیاهای بربادرفته، تأثیر منفی فریب بر تصمیم‌گیری‌های مهم زندگی، فروپاشی زندگی و ویرانی کاخ آرزوها، فشار روانی ناشی از رازداری و تحمل و افشا نکردن موضوع، تهدید و ارباب از سوی فریب‌کار، ایجاد هیجانات منفی، ایجاد افکار منفی، ایجاد تصویر منفی از آینده خود، آرزوی مرگ.
خودسوزشی	خود انتقادی، خود مقصر بینی و احساس قصور توسط قربانی، تقصیرپذیری و سرخوردگی، خودخوری، فاجعه‌نمایی، احساس خودویرانگری، نشخوار ذهنی ماجرای فریب، درگیری ذهنی با فریب و فریب‌کار، سؤال بی‌وقفه درباره چرایی رویداد فریب.
خودفریبی	انکار واقعیت، توجیه فریب‌کاری با تأکید بر فریب‌خوردن دیگران (تعمیم فریب خوردن)، هجوم توجیحات.

• چالش‌های احساسی - عاطفی

از آنجا که اغلب قربانیان فریب در حوزه موضوعی که مورد فریب‌کاری واقع شده بودند، سوءاستفاده شده‌اند با لطمات احساسی بسیاری مواجه شده‌اند. آشفته‌گی‌های احساسی فریب‌خوردگان متناسب با عمق لطمه‌ای که وارد شده، متفاوت بود. بر احساس خسارت و باختن در زندگی، احساس کنترل نداشتن بر اوضاع زندگی خود و واسپاری اختیار زندگی به فرد فریب‌کار، احساس استعمار و ارائه خدمات به فریب‌کار، احساس تبدیل شدن به نوکر بی‌چیره و مواجب فریب‌کار، احساس گیر افتادن در یک چاله و

دوره شدن توسط فریب کار، احساس باج‌گیری، احساس مغبون‌شدگی و تضییع حقوق و احساس درماندگی، عجز و سرخوردگی، احساس بی‌عزتی و فروریزی غرور، احساس تحقیرشدگی و حماقت، احساس طعمه شدن، احساس فروریختن ارزش‌مندی، احساس ستم و بی‌پناهی را تجربه نموده بودند. حیب در مورد اثرات فریب این‌طور روایت کرد: «اولش باورم نمی‌شد که فریب خوردم اما مدام داشت از حسابم کم می‌شد و پیامکش می‌آمد. حال و روزم بد شده بود و به‌هم‌ریخته بودم.» (کد ۲۱). طیبه ۵۱ ساله که در ماجرای طلاق صوری فریب‌خورده روایت می‌کند: بعد از یک سال، افسردگی شدید گرفتم و منزوی شدم. نیت اصلی من سربازی رفتن پسرم بود، جور شد اما من داغون شدم و فریب بدی خوردم. شوهرم نیتش ازدواج با یکی دیگه بود و می‌خواست خانواده از هم بپاشه.» (کد ۳۰).

سرزنش‌گری هم در حوزه فردی و شخصیتی و هم در حوزه اجتماعی و تعامل با دیگران مطرح است؛ اما خودسرزنی به‌عنوان راه‌کاری دفاعی توسط برخی افراد در مواقع انجام اشتباه انجام می‌گیرد. اغلب سوژه‌ها از خودسرزنی بعد از فریب‌خوردن و قربانی شدن خود سخن می‌گفتند. در واقع سرزنش قربانی، راه‌حل ذهن سرزنش‌کننده برای کنار آمدن با یک وضعیت ناخوشایند است که تلاش می‌کند، شکست دیگری را در پیشگیری از چنین واقعه‌ای برای خود قابل‌هضم کند.

لیلا ۳۲ ساله در مورد تبعات فریب جنسی این‌طور روایت می‌کند: «همش خودم را مقصر می‌دونم که چرا فریب خوردم چرا تونستم پا روی احساساتم بگذارم. احساس ناپاکی دارم و اینکه باید غرایزم را کنترل می‌کردم، اما فریب‌غریزه‌ام و اون شاید رو خوردم.» (کد ۱). محمود ۶۱ ساله هم در مورد خودسرزنی پس از فریب مالی می‌گوید: «خودم تو فریب خوردم مقصر بودم برای مهاجرت پسرم بدون تحقیق و بدون اقدام از راه قانونی و شرکت‌های معتبر به این گروه غریبه و مدعی اعتماد کردم.» (کد ۱۴). البته سرزنش از سوی اطرافیان به‌ویژه خانواده و دوستان هم در روایت‌های

قربانیان فریب وجود دارد. مریم ۴۶ ساله در فریب شرکت‌های هرمی از سرزنش خانواده می‌گوید: «وقتی که طمع کردم و عضو کوئیت شدم همه مخالف بودن. بعد هم که ضرر کردم مدام سرکوفت می‌شنیدم که ما به تو گفتیم گول نخور همش تبلیغاته.» (کد ۱۳). در جدول شماره (۷) کدهای مفهومی و مقولات فرعی چالش‌های احساسی - عاطفی قربانیان فریب ارائه شده است.

جدول ۷- کدهای مفهومی و مقولات فرعی چالش‌های احساسی - عاطفی قربانیان فریب

احساس استثمارشدگی	احساس استثمار و ارائه خدمات توسط فریب‌کاران، احساس تبدیل شدن به نوکر بی‌جیره و مواجه، احساس طعمه شدن، احساس گیر افتادن در یک چاله و دوره شدن توسط افراد فریب‌کار، احساس باج‌گیری، احساس واسپاری اختیار زندگی به فرد فریب‌کار، احساس تضییع حقوق، احساس مغبون شدگی، احساس هدر رفت فرصت‌ها و امکانات، احساس ستم و بی‌پناهی.
احساس درماندگی	احساس درماندگی و استیصال، احساس خسارت و باختن در زندگی، احساس نابودی مطلق زندگی، احساس آسیب‌پذیر شدن، احساس تلف شدن زندگی، احساس بی‌ارزش شدن، احساس گیر افتادن در یک چاله و دوره شدن توسط افراد، فروریختن حس ارزشمندی، احساس تلنبار شدن مشکلات در دل، احساس کم‌آوردن روحی و روانی، احساس گیر کردن در باتلاق، احساس کنترل نداشتن بر اوضاع زندگی خود، احساس درماندگی، ناتوان شدگی، عجز و سرخوردگی، احساس خسارت و باخت، تجربه ناامیدی شدید، حس باختن شکست و در زندگی، بی‌انگیزه شدن در کارها، آسیب‌زدن به خود و افکار خودکشی، افسردگی و دل‌مردگی و کاهش شوق زندگی، احساس سرافکنندگی، احساس ضعف در هوش و ذکاوت.
احساس تحقیرشدگی	شکسته شدن غرور و عزت‌نفس، احساس بی‌عزتی و فروریزی غرور و کاهش عزت‌نفس، از دست دادن اعتمادبه‌نفس، احساس تحقیرشدگی و حماقت، احساس ترس از فریب‌کار و افراد شرور متصل به وی، احساس شکست بیشتر به جهت کهولت سن، استرس و اضطراب پس از فریب، رشد احساسات منفی، واکنش‌های عاطفی، خجالت، ناراحتی، خشم، استرس، شوک و تنهایی، برهم ریختن آرامش روحی و معنوی، احساس تلافی فریب، هزینه‌های روحی، افسردگی، تنش و اضطراب.
تخریب عاطفی	احساس قلب شکسته، سرمایه‌گذاری احساسی بی‌نتیجه، اندوه و غم و گریه و بی‌تابی، باج‌گیری عاطفی، بازیچه شدن در دست فریب‌کار، افزایش انرژی‌های منفی و کاهش انرژی مثبت، حسرت و ندامت، سوگواری طولانی‌مدت بعد از فریب عاطفی و عشقی، تخریب شخصیت و لطمه به احساسات و عواطف، احساس حماقت، از دست دادن رابطه عاطفی.

راهبردهای قربانیان پس از فریب

▪ راهبرد خود مدیریتی

خود مدیریتی راهبردی است که فرد تلاش می‌کند یا یک رفتار مثبت را تقویت کند یا میزان یک رفتار نامناسب را کاهش دهد. خود مدیریتی مستلزم تغییر در رفتار و سبک زندگی قربانی است. تکوین الگوی سازنده و مثبت و تغییر رفتارهای نادرستی که منجر به فریب خوردگی فرد شده است، در حوزه فریب خود مدیریتی برای رفتارهای آتی فرد فریب خورده، ضروری است. همچنین خود آگاهی نسبت به خصوصیات، ضعف‌ها و خواسته‌ها و نقاط ضعف و قوت و احساسات خود می‌تواند ضمن ایجاد احساس قدرت در فرد به انتخاب‌ها و تصمیم‌های درست در زندگی فرد کمک کند. سوژه‌ها از مصادیق خود مدیریتی به مدیریت احساس و هیجان و خودمهارگری، مدیریت اطلاعات (محتوای یک پیام)، مدیریت رفتار (غیر کلامی)، مدیریت تصویر (اعتبار و منزلت در چهره فرد)، تعهد به راستی آزمایی، خود مراقبتی، داشتن شکاکیت هدفمند و توجه به فریب کاری‌های مشابه و نیز موقعیت‌های فریب آمیز اشاره نموده‌اند. فرزانه ۳۳ ساله در مورد رویه خود بعد از تجربه فریب می‌گوید: «من تصمیم گرفتم که دیگه برای ورود تو هر کار اول تحقیق کنم و احتمالات منفی اون کار را بررسی کنم تا در انجام اون کار تو دردسر نیفتم» (کد ۱۱). امیر ۴۲ ساله هم این‌طور بیان می‌کند: «من دیگه بعد از فریبی که خوردم اصل را می‌گذارم که طرف داره سرم کلاه می‌گذاره برای همین باید ادعاش رو در مورد اون موضوع ثابت کنه، والا حدس می‌زنم می‌خواد فریبم بده. دیگه این‌که بعد فریب تصمیم گرفتم هر مطلبی که می‌گن راستی آزمایی کنم و محتاط باشم.» (کد ۱۵).

▪ راهبرد انفعال مدارانه - اجتنابی

در این راهبرد فرد از روبرو شدن با مشکل خودداری می‌کند و گاهی نیز از انحراف فکر استفاده کرده و سعی می‌کند توجه خود را از مشکل منحرف نماید. در این راهبرد افراد سعی در دور شدن از واقعیت فشار آور دارند و با فاصله گرفتن از مشکل، اقدام به

دوری از موقعیت تنیدگی‌زا می‌کنند. آن‌ها احساس می‌کنند که بر اوضاع کنترل ندارند و سعی در دوری از قضاوت کردن‌های اجتماعی دارند. در این راهبرد گاه فرد در بیان احساسات و دیدگاه خود، همه‌چیز را مثبت و خوب وانمود می‌کند؛ رفتارهای انفعالی سوژه‌ها به صورت عمد به شکل انکار و پنهان‌سازی فریب، اهمال‌کاری در گرفتن حق از فریب‌کار، مدارا کردن با فریب‌کار، تمکین و متابعت از فریب‌کار، دوری کردن از فریب‌کار، بی‌فایده دانستن شکایت و اعتراض، فراموشی عمدی و انتخابی ماجرای فریب، توجیه فریب خوردن، احساس تنفر از فریب‌کار، انزوای اجتماعی و... بروز کرده بود. البته سکوت قربانی (انفعالی) و عدم واکنش منفی قربانی هم به علل مختلفی نظیر شرم و حیا، ترس از مجرم تلقی شدن و انگ خوردن، ترس از انتقام و تلافی و اقدام فیزیکی و خشن فریب‌کار، آبروداری، ترس از دست دادن فریب‌کار، شوکه شدن فریب‌خورده، پیوندهای خانوادگی و برهم خوردن تعاملات خانوادگی و فامیلی و... بوده است.

حبیب ۷۱ ساله در مورد اتخاذ رویه سکوت بعد از فریب قرعه‌کشی این‌گونه روایت می‌کند: «سعی کردم ماجرای فریب خوردنم رو کسی تو خانواده و فامیل ندونه چون به چشم یه آدم بی‌دست و پا و بی‌عرضه نگام می‌کنن.» (کد ۲۱). ثریا ۵۳ ساله هم که از طرف بچه خواهر خود مورد فریب مالی قرار گرفته، درباره رفتارش بعد فریب این‌گونه تعریف می‌کند: «اگه آبروداری فامیلی و خانوادگی نبود تا حالا پیداش می‌کردیم و حقش رو کف دستش می‌گذاشتیم اما همیشه داریم مدارا می‌کنیم.» (کد ۴).

▪ راهبرد کنش‌مدارانه

سوژه‌ها در برابر پدیده فریب، عکس‌العمل‌ها و راهبردهای متفاوتی اتخاذ کرده بودند؛ برخی با راهبردهای منفعلانه وارد عمل شده بودند. در راهبرد کنش‌مدارانه فرد به‌طور فعال درصدد پیدا کردن راه‌حلی برای مشکل و مسئله است و می‌کوشد تا از تبعات و اثرات نامطلوب مسئله بکاهد، به‌طور مثال مشکل فریب را با دوستان، همسالان و خانواده و اهل فن در میان گذاشته و از آن‌ها درخواست کمک می‌کند. این افراد معتقد

بودند که ضمن تحمل مسئله باید بر مشکل غلبه نمایند، بنابراین به‌طور عمده به‌دنبال راهکارهای مسئله‌محور بوده و مقابله با چالش را در پیش می‌گرفتند. این سوژه‌ها معتقد بودند راهبرد انفعالی می‌تواند به افزایش مشکلات بیانجامد و حتی نتیجه خود تخریبی داشته باشد. آن‌ها از تجربه زیسته ناخوشایند خود در ماجرای فریب، درصدد ساختن آینده بهتر بودند. آنچه در روایت سوژه‌ها مطرح شده است از مقاومت در برابر فریب کار، تلافی فریب از طریق انجام فعلی مشابه با آن، پیگیری قانونی و شکایت قانونی، مقاومت روحی و روانی، انتقال تجربیات به دیگران برای جلوگیری از فریب خوردن آن‌ها، اشتراک‌گذاری ترند فریب‌ها و استفاده از تجربه حاصله برای تصمیمات آتی و ... بوده است.

لیلا ۳۲ ساله که گرفتار فریب جنسی شده می‌گوید: «بعضی وقتا میگم من هم یک پسر را فریب بدم و ندونه من دختر نیستم همون طور که یکی منو فریب داد و دختری منو ازم گرفت» (کد ۱). سیما ۳۶ ساله که درگیر فریب شرکت بین‌المللی حمل‌ونقل در پرداخت دستمزد شده می‌گوید: «درگیر شکایت و دادگاه شدم، وکیل گرفتم و با شاکی‌های دیگر هم ارتباط گرفتم تا شاید بشه حق‌مون رو بگیریم، اما سندی نداریم همه چی به نفع اون شارلاتان‌هاست.» (کد ۷).

خط داستان: مراحل مواجهه قربانی با فریب

- در مرحله اول اغلب سوژه‌ها از غافل‌گیری، شوکه شدن، بهت و ناباوری، حالت گیجی، نداشتن درکی از موقعیت، ناتوانی در تصمیم‌گیری و از دست دادن توان فکری ناشی از وقوع فریب و گیر افتادن در دام شیاد و فریب‌کار سخن می‌گفتند.
- در این مرحله قربانیان با علائم اختلالات روحی و جسمی مواجه می‌شوند از جمله اضطراب، تپش قلب شدید، ترس و بیم، تکانه‌های عصبی، اختلال تمرکز و همچنین با حالات احساسی مانند احساس تنهایی، احساس مستأصل شدن و سایر احساسات منفی که قربانی با آن‌ها مواجه می‌شود.

- مرحله بعدی مواجه‌شدن با مسائل پس از فریب در ابعاد مختلف زندگی است، به‌طور مثال در فریب مالی فرد با مشکلات مالی بعد فریب مواجه می‌شود و در فریب‌های غیرمالی تأثیرات این فریب در ساحت‌های مختلف زندگی نمایان می‌شود.
- مرحله چهارم قربانیان حالت در خود فرورفتگی و نیز نش‌خوار ذهنی ماجرا و پرسش‌گری مداوم دارند و با سؤالات چرایی رویداد و مرور چندباره ماجرا مواجه هستند.
- مرحله آخر قربانی با ماجرای فریب در زندگی خود به‌طور عملی وارد برخورد می‌شود یا با فریب کار وارد واکنش تدافعی می‌شود و یا در حالت انفعالی سعی در بازگشت به مسیر عادی زندگی و فراموشی می‌نماید.

بحث و نتیجه‌گیری

قربانیان فریب با آثار جسمی و روانی همچون کاهش روابط بیرونی، ضربه عاطفی و اضطراب دائم، آشفتگی‌های شناختی مانند ضعف حافظه و تمرکز حواس و با آثار سوء اقتصادی فریب‌کاری‌های مالی مواجه هستند. تبعات ناگوار و شوک ناشی از درگیری در ماجرای فریب‌کاری، نه تنها به قربانی بلکه به خانواده و خویشاوندان درجه‌یک وی نیز آسیب می‌رساند. پس از حادثه فریب، قربانیان ممکن است علامت‌های مختلف بیماری‌های جسمانی از جمله بی‌خوابی، اختلال در اشتها، سردرد و... را متحمل شوند و تا مدت‌ها با احساس ناتوانی، ناامنی، خشم و ترس درگیر باشند. قربانیان پس از وقوع فریب با درک تأثیرات سوء فریب بر حوزه‌های مختلف زندگی فردی و خانوادگی روبرو می‌شوند و برای بازسازی روانی، اجتماعی و اقتصادی خود و بازگشت به زندگی و فعالیت روزمره و عادی به تلاش و کوشش مضاعفی نیاز دارند. فریب‌های خاص بر کیفیت زندگی بسیاری از قربانیان تأثیر منفی عمیقی برجای می‌گذارند. قربانیان فریب مالی زبان‌های مختلف مالی، از دست دادن سرمایه‌های زندگی و بازگشت به شرایط چندین سال قبل از نظر اقتصادی و نیز احساس بی‌عرضگی در امور اقتصادی و تضعیف

اعتماد به نفس در فعالیت‌های اقتصادی و شرم و خجالت ناشی از فریب مالی را روایت کردند. سرزنش اطرافیان به بی‌توجهی در سرمایه‌گذاری مالی در موارد پرخطر و همدردی نکردن و حتی تمسخر و مستحق دانستن برای چنین رویدادهایی، قربانیان مالی را در شرایط دردناک روحی قرار می‌دهد. سرزنش شدن به جهت تجربه کمترشان در مواجهه با افراد مختلف، آن‌ها را در معرض قضاوت منفی اطرافیان برای فعالیت اقتصادی و سرزنش شدن آن‌ها بابت درگیری در فریب قرار می‌دهد. احساس افسوس و حرمان در زندگی در فریب‌های جنسی و نیز عاطفی و احساس خسارت در مورد از خودگذشتگی افراطی برای اجابت درخواست‌های دیگران و گذشت و فداکاری در فریب‌های خانوادگی فرد قربانی را آزار می‌دهد. سلب اختیار و از دست دادن منابع مالی و استقلال اقتصادی و حس بی‌قدرتی در برخی فریب‌ها، از دست دادن رؤیاهای آرزوهای فرد برای زندگی و آینده خود و نیز حس خیانت در اعتماد به دیگری و سوءاستفاده فریب‌کار از این اعتماد و مورد ظلم واقع شدن در ماجرای اعتماد به طرف مقابل از جمله پیامدهای ناگوار فریب می‌باشد.

تجربه سرزنش اطرافیان در ماجراهای فریب در اغلب مصاحبه‌ها مطرح شد. بر اساس نظریه باور به یک دنیای واقعی مردم تمایل دارند تقصیر را به گردن قربانیان ببندانند، چون آن‌ها گمان می‌کنند که دنیا مکانی است که در آن اتفاقات خوب برای افراد خوب و اتفاقات بد برای مردم بد رخ می‌دهد (کورايشا جوم راتی^۱، ۲۰۱۹). فرضیه جهان عادلانه از بزرگ‌ترین عوامل ایجاد فرهنگ سرزنش قربانی است. در این فرضیه، اتفاقات بد برای آدم‌های خوب رخ نمی‌دهد و در واقع مردم سزاوار آنچه برای آن‌ها رخ می‌دهد، هستند. این میل به منصفانه دیدن جهان باعث می‌شود که مردم تصور کنند کنترل سرنوشت و اتفاقات خوب و بد را در دست دارند. در نتیجه از دلایلی که مردم یک قربانی را مقصر می‌دانند، این است که دوست دارند از یک رویداد ناخوشایند

1. Quraisha, Joom ratty .

فاصله بگیرند و از این طریق تصور کنند که نسبت به رخ دادن آن واقعه برای خودشان مصون هستند یا با برچسب‌زدن به قربانی، او را متفاوت از خود ببینند.

قربانیان فریب اغلب تمایلی به گزارش فریب کاری ندارند؛ زیرا معمولاً مورد سرزنش دیگران قرار می‌گیرند بدین نحو که خودشان مقصر بوده‌اند و شرم از فریب خوردن، دلیل دیگری برای گزارش ندادن پرونده‌ها است. کیلی رابرتز در مقاله «تمایل ما به سرزنش قربانیان از کجا برمی‌خیزد؟» بیان داشت سرزنش قربانی، واکنش روان‌شناختی و طبیعی در برابر جرم است. وقتی از وقوع جرمی با خبر می‌شوند فکر می‌کنند که اگر جای قربانی بودند با دقت بیشتری رفتار می‌کردند. بزرگ‌ترین عاملی که مروج فرهنگ سرزنش قربانی است فرضیه جهان عادلانه است. سرزنش قربانی در بطن خود می‌تواند ناشی از ترکیبی از قصور در همدلی با قربانی و واکنش ترس ناشی از سائقه محافظت از خویشتن در انسان باشد (کورایشا جوم راتی، ۲۰۱۹).

پس از تجربه فریب، قربانیان راهبردهای مختلفی را در مواجهه با تبعات فریب و مواجهه با فرد فریب‌کار را در پیش می‌گیرند. در راهبرد خود مدیریتی قربانی بر تغییر در رفتار و سبک زندگی تأکید می‌کند و از ماجرای فریب در جهت تجربه رفتاری در حوزه‌های مختلف بهره‌مند می‌شود. در راهبرد انفعال مدارانه - اجتناب مدار، بر پنهان‌سازی، نفی و انکار فریب و آسیب‌دیدگی، اهمال‌کاری در گرفتن حق از فریب‌کار، مدارا کردن با فریب‌کار، تمکین و پیروی از فریب‌کار، دوری کردن از فریب‌کار، بی‌فایده دانستن شکایت و اعتراض، فراموشی عمدی ماجرای فریب، احساس تنفر از فریب‌کار، انزوای اجتماعی و ... تأکید می‌شود. هرچند مهم‌ترین دغدغه‌ی خاطر قربانیان فریب، جبران خساراتی است که در نتیجه‌ی وقوع فریب متحمل شده‌اند؛ اما احساس نداشتن حمایت قضایی از روند شکایت، نبود واکنش‌های کیفری برای فریب‌کار با دلایل مختلف از سوی مراکز قضایی، احتمال کج‌روانگاری قربانی در برخی انواع فریب مانند شرکت‌های هرمی یا سوءاستفاده جنسی از فرد،

پاسخ‌دهی نظام قضائی در اشکال صوری و نمایشی، ناتوانی در مراجعه به مراکز قضایی و نبود پاسخ‌دهی قانونی در قبال برخی موارد فریب، نبود مدارک کافی، بی‌اعتمادی به پلیس و گاه احتمال بدتر شدن اوضاع مانع از گزارش به مراکز حقوقی می‌شود. در راهبرد کنش‌مدارانه فرد به‌طور فعال می‌کوشد تا از تبعات و اثرات نامطلوب مسئله بکاهد.

پیشنهادها

- در زمینه مواجهه پلیس با فریب‌کاری و قربانیان فریب می‌توان پیشنهادهایی ارائه نمود:
- ✓ ارائه مشاوره مددکاری به قربانیان فریب جهت کاهش صدمات پس از انواع فریب و جلوگیری از فریب‌های مشابه و آسیب‌پذیری مجدد؛
- ✓ به‌کارگیری نیروهای مجرب در زمینه مباحث بزه‌دیده‌شناسی و نحوه رفتار با افراد درگیر در فریب؛
- ✓ ترغیب قربانیان به گزارش‌دهی و شکایت آن‌ها از طریق ایجاد انگیزه خیرخواهی عمومی برای مجازات فریب‌کار و جلوگیری از گسترش فریب‌کاری و تکرار سناریو فریب برای دیگران و قربانی شدن دیگران؛
- ✓ ارتقای دانش امنیتی شهروندان از طریق آموزش‌های رسانه‌ای جهت پیشگیری از انواع فریب‌ها؛
- ✓ آموزش چگونگی مراجعه مردم به پلیس فتا در مواجهه با کلاه‌برداری‌ها و فریب‌های فضای مجازی؛
- ✓ تقویت روش‌های نوین پیشگیری، کشف و مقابله با اقدامات کلاه‌برداران در فضای مجازی؛
- ✓ ارائه اطلاعات و دانش سایبری و سواد رسانه‌ای جهت پیشگیری از فریب‌های فضای مجازی؛
- ✓ راه‌اندازی و فعال نمودن دواير مشاوره و مددکاری اجتماعی در تمام کلانتری و پاسگاه‌ها و مقرهای پلیس‌های تخصصی.

سپاسگزاری

در پایان از همکاری و مساعدت کارکنان محترم پلیس فتا، کارکنان محترم شعب شوراهای حل اختلاف، همکاری دوستان گرامی و وکلای خصوصی در معرفی سوژه‌ها و قربانیان فریب و ایجاد اعتماد آنها جهت انجام مصاحبه، تقدیر و تشکر می‌نمایم.

منابع

- بخشی، حامد؛ اخلاقی، آمنه. (۱۳۹۵). خوش رویی و فریب کاری و منفعت طلبی: ادراک زائران از فروشندگان شهر مشهد، دو فصلنامه مطالعات اجتماعی گردشگری، ۴ (۷): ۸۲-۵۸. قابل بازیابی از <http://journalitor.ir/Article/139602171329235923>
- پاک روش، کبری. (۱۳۸۷). بزهدیده‌شناسی: رویکردی جدید به بزهد، مجله مطالعات امنیت اجتماعی، ۴ (۱۳): ۶۸-۵۱. قابل بازیابی از: <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/>
- توجهی، عبدالله؛ نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۷۸). بزهدیده‌شناسی و مشکل بزهدیدگی‌های گزارش نشده: نشریه مدرس علوم انسانی، ۴ (۱۳): ۸۰-۷۱. قابل بازیابی از <http://ensani.ir/fa/article/233615>
- جوان جعفری بجنوردی، عبدالرضا؛ شاهیده، فرهاد. (۱۳۹۳). نقش زنان بزهدیده در ارتکاب جرائم جنسی (با تکیه بر قوانین و مقررات کیفری و رویه قضایی ایران). فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، ۲ (۷): ۷۱-۴۱. قابل بازیابی از <https://civilica.com/doc/681649/certificate/print/>
- حاجی ده آبادی، محمدعلی؛ سلیمی، احسان. (۱۳۹۷). علت‌شناسی بزهدیدگی زنان در شبکه‌های اجتماعی؛ مطالعه موردی شبکه‌ی اجتماعی فیس بوک. فصلنامه زن و جامعه (جامعه‌شناسی زنان)، ۳ (۳۵): ۱۴۲-۱۱۷. قابل بازیابی از: <http://ensani.ir/fa/article/386600>
- حسینی، اصغر. (۱۳۹۰). جایگاه بزهدیده در جرائم علیه اموال و مالکیت. مجله قضاوت. ۶۹: ۳۲-۳۵. قابل بازیابی از

<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/868843/>

- خسروشاهی، قدرت‌الله؛ مظاهری کوهانستانی، رسول؛ معمار، ثریا؛ عبداللهی، الهام. (۱۳۹۵). نقش بزهدیده در تحقق جرم کلاه‌برداری و راه‌کارهای پیشگیری از آن، مجله حقوقی، ۳(۴): ۱۸۵-۱۴۱. قابل‌بازیابی از: <http://ensani.ir/fa/article/379874>
- دانایی‌فرد، حسن؛ امامی، سیدمجتبی. (۱۳۸۶). *استراتژی‌های پژوهش کیفی: تأملی بر نظریه‌پردازی داده‌بنیاد*. اندیشه مدیریت، ۱(۲): ۶۹-۷۶. قابل‌بازیابی از

https://smt.journals.isu.ac.ir/index.php/journal/journal/article_104_0.html

- زینالی، حمزه. (۱۳۸۳). *اثرات فقدان حمایت کیفری مناسب از زنان بر بزهدیدگی آن‌ها*، فصلنامه رفاه اجتماعی، ۴(۱۳): ۲۲۲-۱۹۷. قابل‌بازیابی از:

<http://refahj.uswr.ac.ir/article-1-2216-fa.html>

- سلیمانی، مجید؛ فاضل، رضا؛ صبوری؛ خسروشاهی، حبیب. (۱۳۹۶). *مدل جامعه‌شناختی فریب پنهانی در بازار ایران (مطالعه موردی شهر قم)*، فصلنامه جامعه‌شناختی نهادهای اجتماعی، ۴(۱۰): ۱۸۹-۱۶۱. قابل‌بازیابی از:

http://ssi.journals.umz.ac.ir/article_1740.html

- سلیمی، علی؛ داوری، محمد. (۱۳۸۰). *مجموعه مطالعات کج‌روی و کنترل اجتماعی*، کتاب اول، قم پژوهشکده حوزه و دانشگاه.

- صادقی‌فسائی، سهیلا؛ آهنگر سله‌بنی، اعظم؛ دانش، پروانه؛ قاضی‌نژاد، مریم. (۱۳۹۲). *درک و تصور زنان از قربانی‌شدن (مطالعه کیفی در شهر تهران)*. مجله مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، ۲(۳): ۳۹۳ - ۴۱۲. قابل‌بازیابی از:

https://jisr.ut.ac.ir/article_51658.html

- صادقی‌فسائی، سهیلا؛ میرحسینی، زهرا. (۱۳۹۰). *بررسی عوامل مؤثر بر بزهدیدگی زنان شهر تهران*. زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، ۹(۱): ۶۲-۳۵. قابل‌بازیابی از:

https://jwdp.ut.ac.ir/article_22492.html

- صفاری، علی. (۱۳۸۴). *روش‌زندگی و تأثیرگذاری بزهدیده بر وقوع جرم*، فصلنامه تحقیقات حقوقی، ۸(۴۱): ۳۲۴-۴۰۵. قابل‌بازیابی از:

http://lawresearchmagazine.sbu.ac.ir/article_56449.html

- Braun, V. Clarke, V. (2006). *Using Thematic Analysis In Psychology*. *Qualitative Research Psychology*. 3(2): 77-101 At

Retrieved:

<https://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1191/1478088706qp0630a>

- Burgoon, J. K. & Buller, D. B. (2015). *Interpersonal Deception Theory*. The International Encyclopedia of Interpersonal Communication, Published Online: 1–6. At Retrieved: <https://onlinelibrary.wiley.com/doi/abs/10.1002/9781118540190.wbeic170>
- Cross, C, Richards, K, & Smith, R. (2016). *Improving responses to online fraud victims: An examination of reporting and support*. Criminology Research Grants, Canberra A.C. At Retrieved: <https://eprints.qut.edu.au/98346/>
- Cross, C, 'They're Very Lonely': Understanding the Fraud Victimization of Seniors. (2016). *International Journal for Crime, Justice and Social Democracy*, 5(4): 60-75. At Retrieved:SSRN:<https://ssrn.com/abstract=2924927>.
- Daigle, L. E. & Fisher, B. S. (2010). *Rape*. In B. S. Fisher & S. P. Lab (Eds.), *Encyclopedia of victimology and crime prevention*. 2, 979. Los Angeles: sage. At Retrieved: <https://us.sagepub.com/en-us/nam/encyclopedia-of-victimology-and-crime-prevention/book232184>.
- Glaser, B. G. & Strauss, A.L. (1968). *The Discovery of Grounded Theory: The Strategies for Qualitative Research*. *Nursing Research*: 17 (4) :364-368. At Retrieved: <https://www.routledge.com/Discovery-of-Grounded-Theory-Strategies-for-Qualitative-Research/Glaser-Strauss/p/book/9780202302607>
- Harvey, S; Kerr, J; Keeble J. (2014). *Understanding victims of financial crime. A qualitative study with people affected by investment fraud*. Publisher NatCen Social Research. At Retrieved: <https://www.bl.uk/collection-items/understanding-victims-of-financial-crime-a-qualitative-study-with-people-affected-by-investment-fraud>
- Hindelang, M. J. Gottfredson, M. R. and Garofalo, J. (1978). *Victims of Personal Crime: An Empirical Foundation for a Theory of Personal Victimization*. Cambridge, MA: Ballinger.

At Retrieved: <https://www.ojp.gov/library/abstracts/victims-personal-crime-empirical-foundation-theory-personal-victimization>

- Kerley, K. R. & Copes, H. (2002). *Personal fraud victims and their official responses to victimization*. *Journal of Police and Criminal Psychology*, 17(1), 19–35. doi:10.1007/bf02802859.

At Retrieved:

https://www.researchgate.net/publication/225136503_Personal_fraud_victims_and_their_official_responses_to_victimization

- Pam, V & Ozoya, M. I. (2016). *Fraud Victims Reaction and Crime Prevention in Nigeria: The Role of a Knowledge Economy*. *Covenant University Journal of Politics and International Affairs*. 4(1):45-51. At Retrieved:

<https://journals.covenantuniversity.edu.ng/index.php/cujpia/article/view/281/238>

- Pizarro, J.K., Zgoba, W.G., Jennigs. (2011). *Assessing the interaction of offender and victim lifestyle characteristics for differentiating homicide incidents*. *Journal of Criminal Justice* 39(5):367-377. At Retrieved:

https://www.researchgate.net/publication/251503242_Assessing_the_interaction_between_offender_and_victim_criminal_lifestyle_homicide_type

- Rydberg, J & Jesenia M. Pizarro. (2014). *victim lifestyle as a correlate of homicide clearance*. *Homicide studies* 18(4): 342-362. At Retrieved:

<https://journals.sagepub.com/doi/10.1177/1088767914521813>

- Schuneman, M. (2017). *Financial Fraud on Elders and Interventions*. Retrieved from Sophia, the St. Catherine University repository. At Retrieved:

https://sophia.stkate.edu/msw_papers/785.

- Quraisha, J. B. (2019). *Stripped Wallets, Ripped Hearts Victims of Financial Fraud: An Analysis beyond Financial Fraud*. *PEOPLE: International Journal of Social Sciences*, 4(3): 1101-1112 . At Retrieved:

<https://doi.org/10.20319/pijss.2019.43.11011112>.